

«پرسشگری»

آموختنی‌ها

- ۱ آشنایی با دانشمند ایرانی «ابوریحان بیرونی»
- ۲ تقویت روحیه پرسشگری
- ۳ تشخیص عناصر سازنده جمله
- ۴ تأثیر علم در بهتر زندگی کردن



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

گرای: روی پیاور، ایمان پیاور	فزای: بیفزای، اضافه کن	عجیب:
میاسای: آسوده نباش، غافل نشو	رامش: آرامش، آسودگی	غریب: ناشناخته
گمان:	میفکن:	معلق:
بسی: بسیاری	ناخوش: بد، ناخوشایند	فیلسوف:
بی رامش: ناآرام	بیکاری: بی حاصلی	جهل: نادانی
کردگار: آفریننده، خداوند	حمد:	واپسین:
هوا: میل، شوق	یکتا: یگانه، از صفات خداوند	بالین:
صدمه:	نهاد:	گریزان: فراری
دانش‌اندوزی:	محروم: بی نصیب	درگذرم: از دنیا بروم، بمیرم
	همواره: همیشه	پژوهشگر: محقق
	روی دادن:	فلان: اشاره به شخص نامعلوم

کلمات متضاد

بیماری = سلامتی      جاهل = عاقل      برنا = پیر      مرده = زنده

کلمات هم خانواده

شبهه، شباهت، تشبیه      کاشف، کشف، اکتشاف  
 جهل، جاهل، مجهول، جهالت      فیلسوف، فلاسفه، فلسفه  
 تعلق، معلق، متعلق

در دنیا، هزاران سوال پرسیده نشده و گم شده وجود دارد؛ ولی دانشمندان و پژوهشگران، همواره دنبال پرسش های خود می روند و آن قدر می گردند تا پاسخ آن ها را پیدا کنند.

یکی از بزرگ ترین دانشمندان و فیلسوفان ایرانی «ابوریحان بیرونی» است که کتاب های زیادی درباره ی مسائل گوناگون نوشت. همی زندگی ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد. این دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی علت اتفاقاتی بود که در اطرافش روی می داد. او به کشف چیزهای ناشناخته، علاقه ی بسیار داشت و از نادانی و جهل، گریزان بود.

وی در واپسین لحظات زندگی خود نیز در پی دانستن و علم بود تا جایی که یکی از دوستان دانشمندش که برای احوال پرسى بر بالین او آمده بود؛ ابوریحان با حالت بیماری از او در مورد مسائل علمی توضیح خواست.

دوست دانشمند به او می گوید: «دوست گرامی اکنون چه جای پرسش است!» ولی ابوریحان می گوید: «کدام یک از این دو بهتر است:

این که مسئله را بدانم و بپریم یا ندانسته و جاهل، درگذرم؟»

## بخوان و بدان

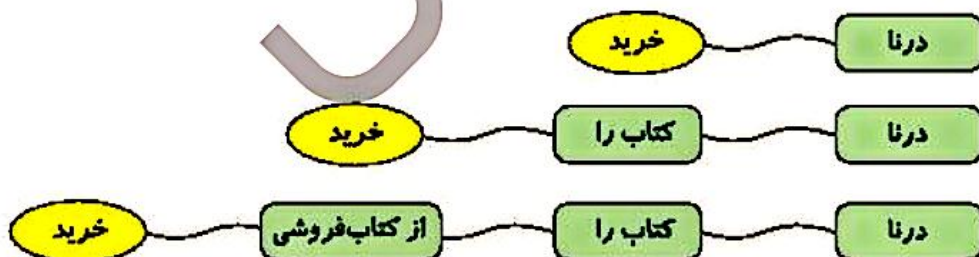


درنا: برنا به این کلمه ها دقت کن:

امروز پدر مشغول دیدن مسابقه والیبال بود که برنا از مدرسه رسید. پدر وقتی او را دید با خوشحالی گفت:

«تیم ایران بلزی را برد.» برنا که از جریان مسابقه خبر نداشت؛ پرسید از کی برد؟ پدر گفت: «از تیم کشور همسایه.» در همان موقع مامان صدای برنا را شنیده بود آمد و گفت: «پسرم خسته نباشی؛ برو دستانت را بشوی و بیا ظرف غذایی را که گذاشتم بردار بخور، برنا که خیلی گرسنه اش بود. دور و برش را خیلی گشت ولی ظرف غذا را ندید گفت: «مامان! کجا گذاشتی؟» مامان گفت: «روی میز، در حالی که ظرف غذا را از روی میز برمی داشت به مامانش گفت: «مامان بهتر نبود جمله را کامل می گفتی تا این قدر دنبالش نگردم؟» یعنی ظرف غذا را روی میز گذاشتم، مامان که متوجه منظور برنا شد. گفت: «بله پسر ما باید جمله ها را کامل بیان کنیم. تا بتوانیم منظورمان را درست برسانیم.»

به نمودارهای زیر توجه کن.



گاهی جمله‌ها با داشتن سه بخش کامل نیستند و به یک قسمت دیگری هم نیاز دارند تا پیام خود را به طور کامل برسانند. که به این قسمت «قید» گفته می‌شود.

**مثال:** مرضیه کیف زیبایی. به مادرش هدیه داد.  
سعید درس امروز را از دوستش یاد می‌گیرد.



## املا دان

یکی دیگر از روش‌های تقویت املا، ساخت کلمه با حروف در هم ریخته است.  
الف: با حروف به هم ریخته‌ی داخل پرانتز با توجه به متن واژه‌ی مناسب بساز.

یکی از دانشمندانی که همیشه تشنه‌ی یادگیری و (ای ن د ش ا ز و ن ا د) ..... بوده، ابوریحان بیرونی است. او یکی از بزرگترین ریاضی‌دانان و (و ل ن ی س ف ا ف) ..... ایرانی است که کتاب‌های زیادی درباره‌ی مسائل گوناگون نوشت. همه‌ی زندگی ابوریحان در (س ش ت گ ر ا) ..... و رشد علم و دانش (ای پ س ر ا) ..... شد. این دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی علت اتفاقاتی بود که در اطرافش روی می‌داد. او به کشف چیزهای ناشناخته (ع ق ا ل ع ه) ..... بسیار داشت و از نادانی و (ه ل ج) ..... (ای ن ز ا گ ر ا) ..... بود. هنگامی که سال‌های عمر او به هفتاد و هفت رسید و در بستر بیماری، واپسین لحظه‌های زندگی را (د ن ی ذ گ م ی ا ر ا) ..... دوستی دانشمند برای (ای پ ل ج ا ا و س) ..... بسر بالینش آمد. ابوریحان با همان حالت بیماری با کلمه‌هایی بریده و کوتاه از او خواهش کرد که پاسخ یکی از مسائل علمی را (ح ض ی و ت) ..... دهد.  
دانشمند گفت: «دوست گرامی! اکنون که در (ر ت ب س) ..... بیماری هستی، چه جای این پرسش است؟»  
ابوریحان با ناراحتی پاسخ داد: «کدام یک از این دو بهتر است: این که (س ن ل م ه) ..... را بدانم و بپریم یا ندانسته و جاهل، (گ ذ ر م ر ا) .....؟»



# علوی

ب: درس را بخوان و در جاهای خالی کلماتی را قرار بده که حروف داده شده در آنها وجود داشته باشد.


پ: با توجه به متن درس برای هر یک از حروف کلمه پیدا کن و بنویس.


## تمرین

کلمات هم معنی را به هم وصل کن.




۲ درستی  و نادرستی  جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: همه‌ی زندگی ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد.

ب: هر کودک حق ندارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید.

پ: کلمه‌ی «مسائل»، جمع واژه‌ی «مسئله» است.

ت: گوش انسان‌ها منتظر هزاران سؤال است.

۳ کلمات هم خانواده را در جاهای خالی بگذار.



فلسفه	تعلق	کشف	جهل
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

۴ نمودار جمله‌های زیر را کامل کن.

الف: دانش آموز ورقه را به معلمش داد.



ب: مادر فرزندش را در گهواره خواباند.



پ: دوستم توپ را از فروشنده گرفت.





پ: در کدام بیت‌های شعر «خرد و دانش، ردیف به کار رفته است»؟ .....

بیشتر بدانیم

در بعضی مواقع فعل با توجه به جمله می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد مانند:

او دستش درد گرفت. آسمان گرفت.  
درنا دلش گرفت. او حقوق گرفت.

۷ با استفاده از روش پرسشگری، درباره‌ی «ابوریحان بیرونی، اطلاعاتی بده.

.....  
.....  
.....  
.....

۸ با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: «خورد» در کدام گزینه به معنی «لغزید» است؟

- (۱) علی غذا خورد. (۲) او غصه خورد.  
(۳) زاغ گول خورد. (۴) برنالیز خورد.

ب: کدام یک از کلمات زیر غیر ساده نیست؟

- (۱) ناراحتی (۲) گریست  
(۳) گوشواره (۴) پژوهشگر

پ: در کدام گزینه، تضاد (کلمات مخالف) وجود دارد؟

- (۱) توانا بود هر که دانا بود.  
(۲) تن مُرده، چون مرد بی‌دانش است.  
(۳) ز دانش دل پیر برنا بود.  
(۴) که نادان به هر جای، بی‌آرامش است.

ت: در کدام گزینه شباهت به کار رفته است؟

- (۱) تن مُرده، چون مرد بی‌دانش است  
(۲) چه ناخوش بود، دوستی با کسی  
(۳) ز دانش می‌فکن، دل اندر گمان  
(۴) به دانش فزای و به یزدان گرای

ث: بیت زیر از جمله تشکیل شده است؟

«بیاموز و بشنو ز هر دانشی بیایی ز هر دانشی، رامشی»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار



روزی ابن سینا از جلوی آهنگری می‌گذشت، کودکی را دید که مقداری آتش دارد تا به خانه ببرد. آهنگر به پسر بچه گفت: باید ظرفی را از خانه بیاورد تا آتش را داخل آن بریزد. اما پسر بچه ابتکار جالبی به ذهنش رسید و مقدار خاک از زمین برداشت و در کف دستش ریخت به آهنگر گفت: این هم ظرف آتش را درون آن بگذار. ابن سینا که خودش نابغه بود متوجه خلاقیت و قوه بالای تجزیه و تحلیل این پسر بچه شد و به دنبال پدر و مادرش رفت و فهمید که این پسر بچه زرتشتی است. بوعلی از پدر و مادر آن بچه خواست که پسرشان را برای تعلیم به او بفرستند و آن‌ها هم قبول کردند. آن پسر بچه مدتی بعد از شاگردی نزد بوعلی مسلمان شد و از دانشمندان بزرگ گردید. نام آن بچه به‌نیار است (همان کسی که اگر شنیده باشید روزی به خاطر نبوغ بالای بوعلی به وی پیشنهاد داد که ادعای نبوت کند و بوعلی با امتحانی ساده او را متوجه اشتباهش کرد).

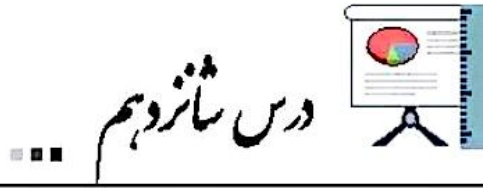
الف: پسر بچه چه ظرفی برای آتش آماده کرد؟

ب: از کجای داستان متوجه شدیم که پسر بچه خلاقیت دارد؟

پ: کلمه «آنها» که در متن مشخص شده به چه کسی اشاره دارد؟

ت: در مورد شاگرد بوعلی تحقیق کن و اطلاعات به دست آمده را در پاکت‌نامه بگذار و به کلاس بیاور.





املا دادن:

الف) دانش‌اندوزی - فیلسوفان - گسترش - سپری - علاقه - جهل - گریزان - می‌گذرانید - احوال‌پرسی - توضیح - بستر - مسئله - درگذرم

ب)

ع: علم - علاقه - علت - علامت - عجیب - معلق

ه: جاهل - بهتر - مسئله - بریده - همواره - تشنه

پ) به دلخواه دانش آموز

۱. معلق ← آویزان      واپسین ← آخرین      جاهل ← نادان      گریزان ← شتابان

۲. الف) درست

ب) نادرست، هر کودک حق دارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید.

پ) درست

د) نادرست، گوش انسان‌ها منتظر هزاران جواب است.

۳. جهل، جهالت، جاهل

کشف، اکتشاف، کاشف

معلق، تعلق، تعلقات

فلسفه، فیلسوف، فلاسفه

۴.

الف) دانش آموز ورقه را به معلمش داد

ب) مادر فرزندش را در گهواره خواباند

پ) دوستم توپ را از فروشنده گرفت

۵. باهوش - ریاضی‌دان - احوال‌پرسی - دانش‌اندوزی

نوشتن متن به عهده دانش آموز

ز دانش دل پیر برنا بود

۶. توانا بود هر که دانا بود

که او باد، جان تو را رهنمای

به دانش فزای و به یزدان گرای

بیایی ز هر دانشی، رامشی

بیاموز و بشنو ز هر دانش

ز دانش بیفکن، دل اندر گمان

میاسای از آموختن، یک زمان

الف) فردوسی

ب) برنا ← جوان

میاسای ← آسوده نباش

بی رامش ← بدون آرامش

پ) بیت اول، بیت آخر

توانا بود هر که دانا بود

تن مُرده، چون مرد بی دانش است

۷. به دلخواه دانش آموز

۸

الف) گزینه «۴»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۳»

ت) گزینه «۱»

ث) گزینه «۴»

خوانش و پردازش:

۹. الف) پسر بچه مقداری خاک را در کف دستش ریخت به عنوان ظرف

ب) به عهده دانش آموز

پ) پدر و مادر پسر بچه

ت) به عهده دانش آموز

ز دانش دل پیر برنا بود  
که نادان به هر جای، بی رامش است